

هر لحظه دعا بهر فرج دارم این لطف ز ثامن الحجج دارم من

با پای پیاده میروم کربلا در هر قدمی ثواب حج دارم من

امام حسین علیه السلام در موقع حرکت به سمت کوفه فرمود: مَنْ كَانَ بِإِذِلَّا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى^۱ هر کس آماده است خون خود را در راه ما نثار کند و خود را آماده لقای خداوند سازد، با ما رهسپار شود، چرا که من - به خواست خداوند - فردا صبح حرکت خواهم کرد، اینایی که با اقا حرکت کرده بودند بجهت جانفشانی بود اما هر چه منزلگاه سپری میشد انسانهایی که هدف خاصی نداشتند یواش یواش از لشکر امام جدا شدند تا جائیکه امام در منزلگاه زباله رو بهمراهانش کرد و فرمودند: و قد خذلنا شيعتنا شيعيان ما ما را کوچک شمردند، ما را تنها گذاشتن، دانشمند معروف اهل سنت «قندوزی» نقل می کند که امام علیه السلام در منزلگاه زباله پس از شنیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل و بی وفایی کوفیان، رو به همراهانش کرد و چنین فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ إِلَّا فَلْيَنْصَرِفْ عَنَّا؛ ای مردم! هر کس از شما در برابر تیزی شمشیر و زخم نیزه ها بردبار است، با ما بماند و الا از ما جدا شود

خیلی قابل تامل است چرا که خیلی از کسانی که تا آنجا آمده بودند برگشتند و در واقع مانند اسم این منزل به زباله دان تاریخ رفتند و خسر دنیا و الاخره شدند

انگیزه سازی

چرا؟ چون که خود را آماده نکرده بودند. بلکه خود را آماده نکرده بودند تا پای رکاب ولی خدا جانفشانی کنند و خود را فدای امامشان کنند (همانکاری که حسین برا خدا و دین خدا کرد و جانش را با افتخار تقدیم نمود)، چون وابسته به دنیا و تعلقات دنیا شده و بفرمایش امام حسین ان الناس عبیدالدنیا اصلا بنده دنیا شدند و دنیا آنها را غافل کرده و مع الاسف به همه چیز فکر میکنند جزء یاری امام زمانشان، اصلا؛ چرا ما در محرم و اربعین مجالس بپا میکنیم عزاداری میکنیم و به سر و سینه می زنیم و در بیابانها خود را آواره میکنیم و هیچ چیز حتی ویروس منحوس کرونا هم نمیتواند جلوی برپایی این مجالس را بگیرد.

چون نمیخواهیم بخاطر عدم آمادگی مان هل من ناصر امام زمانمون که طبق فرمایش شیخ جعفر شوشتری در ۷ موضع بوده است بازهم بدون جواب و لبیک بمونه و امامان به نیزه تنهائی و غربت تکیه بزنند

اقتناع اندیشه

چون نمی خواهیم از کاروان عشق جا بمونیم، کما که خیلی ها سال ۶۱ جاموندن و متاسفانه کسانی بودند که در ظاهر باید در خط اول جانفشانی امامشان باشند ولی نه تنها یاری نکردند که حتی حاضر شدند شمشیر بر علیه امامشان بکشند.

چون نمیخواهیم به زباله دان تاریخ پیوندیم، و آیندگان همین حرفایی که ما نسبت به کوفیا میزنیم به ماهها بزنند

چون نمیخواهیم سربار اقاچانم باشیم بلکه میخواهیم سردارش باشیم انهم از جنس قاسم سلمیانی؛ پس کار دشوار و سختی پیشرو

^۱ اللهم فانی علی قتلی الطفوف ص ۶۲

^۲ ینابیع المودة، ص ۴۰۶

داریم، بزارید یک اعتراف جدی کنیم وقتی تاریخ و مرور میکنیم می فهمیم درسته میتونیم یه دست و پاهایی بزنی ولی اونی که باید کار را تمام کنه و ما را آماده جانفشانی در پای رکاب ولی خدا کند اراده ماهست ولی مهم تر، عنایت و اراده خود خداست که باید دعا و تضرع کنیم تا شامل حال ما هم بشود تا بتوانیم مثل یاران عاشورائی امام حسین امام زمان را یاری کنیم و از غربت درآوریم

الحمدلله با عنایات خدا و حضرات معصومین علیهم السلام، وقتی به حرکت عظیم و پرشور اربعین حداکثری نگاه میکنیم و نه حداقلی به جرات میتوان گفت این حرکت عظیم اربعین را خدا برای ایجاد آمادگی ما راه انداخته و بجرئت میتوان گفت:

حرکت موج آفرین و پرشور و شغف اربعین کار تبلیغات نیست بلکه اولاً: کار خود خدا و ثانیاً: مردم است، همانطور که در حرکت های انقلابی دیگر هم شاهدش بودیم و هستیم

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در دو سال اول انقلاب یک موضوع را ۲۴ بار تکرار نمودند:

من در پاریس که بودم و می شنیدم که تمام مردم بلاد - از آن اقصا بلاد تا مرکز، از دهات کوچک تا شهرستانهای بزرگ - همه با هم متحد شدند و همه یک کلمه می گویند و آن اینکه سلسله پهلوی نه و جمهوری اسلامی آری، من آنجا اینطور فهمیدم که این دست، دستِ غیب است؛ انسان نمی تواند این وحدت را تحصیل کند. انسانها شعاع فعالیتشان محدود است؛ ممکن است یک شهر را یا یک استان را، به وحدت کلمه برساند، ممکن است که یک گروه از مردم را وحدت کلمه درشان ایجاد کند لکن یک کشور سی و چند میلیونی با اختلاف گروهها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور آنها، همه با هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم دادند و یک مطلب را خواستند. این نیست الا اینکه دستِ غیبی در کار است: خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان سلام الله علیه [این تحول را در مردم پدید آورد]. از آن وقت یأس در من هیچ وقت نبوده است؛^۳ بفرموده قرآن در ایه ۱۰ سوره فتح: یدالله فوق ایدیهم

انسان وقتی خوب دقت میکند میفهمد، انصافاً تبلیغات این همه زور و ظرفیت ندارد که اولاً: ۲۰ میلیون و با اعتقادات مختلف و جایگاه ها و رنگ های مختلف آواره بیابانها کنه و ثانیاً: هم کاری کند که عده ای تمام زندگی خودشان را با افتخار و تذلل در اختیار این عاشقان قرار دهند

از طرفی هم نقل است حضرت ایت الله سیستانی میفرمودند این حرکت کار خود مردم است^۴

حالا پسا این حرکت بزرگ و عظیم و پرشور و شغف چه میشود؟ همانطور که پس از انقلاب خمینی انقلابهای دیگر آغاز و دارد بسمت تمدن سازی میروند؛

حضرت امام ره فرمودند: که از آن وقت بسیار امیدوار شدم که این مطلب به پیروزی خواهد رسید. البته این معنا که پیروزی به این سهلی و به این زودی نصیب بشود، [فکر نمی کردم] یک ملتی که هیچ ندارد در مقابل یک قدرت شیطانی؛ مثل امریکا و انگلستان به صراحت و شوروی هم پشتیبانی داشتند، همه قوای شیطانی دست به هم داده بودند در مقابل یک مشت ملت. لکن اینجا قوای رحمانی در کار بود. با خدای تبارک و تعالی هیچ کس نمی تواند ستیزه کند. اینجا دستِ غیبی الهی بود و تا این دست هست و تا این عنایت الهی هست شما پیروزید. ۵ طبق فرموده ایه ۵۶ مائده: فان حزب الله هم الغالبون

^۳ صحیفه امام خمینی جلد ۷ صفحه ۵۵ - سخنرانی ۲۹ فروردین ۱۳۵۸

^۴ نقل از حاج آقای پناهیان

^۵ همان صفحه ۵۶

اگر انسان زیرک و کیس باشد میفهمد حرکت اربعین فرصت مناسب و مغتنمی است برای کسب آمادگی چرا که همه چیز مهیا هست بقول اهنگران عزیز: جاده و اسب مهیاست، بیا تا برویم کربلا منتظر ماست بیا تا برویم

برای چه کاری مهیاست؟ همه چیز آماده است برای کسب آمادگی و جانفشانی یاران امام زمانی

شاید خلاصه زیارت اربعین در همان چند جمله آخرش باشد که زائر بعد از اینکه معرفت خودش را نسبت به امام حسین (علیه السلام) اعلام می کند که «من به شما معرفت دارم و شما چنین مقام شامخ و والایی دارید...» یک جمله ای دارد که شاید اصل جمله زیارت اربعین باشد. آنجا که می خوانیم: «و نَصَرْتَنِي لَكُمْ مَعْدَةً» یعنی من آماده کمک به شما هستم! این اعلام آمادگی برای نصرت، شاید عصاره زیارت اربعین باشد.

و جمله بعدی این است: «حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ» تا وقتی که خدا به شما اذن بدهد و شما دستور قیام بدهید. و بعد می خوانیم: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ» یعنی «من با شما هستم، من با شما هستم، با دشمن شما نیستیم» در زیارت اربعین، این اعلام موضع را انجام می دهیم و برمی گردیم. وقتی کسی معنای این جمله را بفهمد و اربعین بیاید در کنار حرم و این جمله را اعلام کند و برگردد، در واقع معنایش این است که اعلام حضور کرده است، البته این آغاز کارست؛

امام حسین علیه السلام هم فرمودند کسانی با هم همسفر بشوند که: مُوطَّئًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ خود را آماده لقای خداوند کرده باشند، بله بحث ملاقات با خداست. اصلاً هدف آفرینش بشر و هدف آنک کاذب الی ربک کدحاً^۷ - همه ی این تلاشها و زحمتهای - همین است که فملاقیه: ملاقات کند. اگر کسی موطن در لقاء الله است و بر لقاء الله توطین نفس کرده است، «فلیرحل معنا»: باید با حسین راه بیفتد. نمی شود توی خانه نشست. نمی شود به دنیا و تمتعات دنیا چسبید و از راه حسین غافل شد. باید راه بیفتیم. این راه افتادن از درون و از نفس ما، با تهذیب نفس شروع می شود و به سطح جامعه و جهان می کشد^۸. باید بحث آمادگی برای جانفشانی از ولی خدا را هر روزه تمرین کرد و در ایام خاصی هم تمام توجه خودمان روی آن قرار دهیم که واقعا پیاده روی اربعین میتواند این مهم را به سرانجام برساند. و همانطور که امام آماده لقاء الله بود و ارزوی آن را داشت باید ما هم در همان مسیر گام برداریم در واقع باید بسمت قله ای که حضرات علیهم السلام تشریف دارند حرکت کنیم نه پشت بقله درسته بین ما و ایشان فاصله زیاد است و بفرموده یعسوب الدین امام المتقین امیرالمومنین علیه السلام أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ ، أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ ، وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ ، أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ ، وَ لَكِنْ أَعَيْنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ ، وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ^۹. امام علی علیه السلام: هان! هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می کند و از نور دانشش پرتو می گیرد. بدانید که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه کهنه و فرسوده و از خوراکش به دو گرده نان بسنده کرده است. البته شما از عهده چنین کاری بر نمی آید، اما با پارسایی و سخت کوشی [در عبادت] و عفت و درستکاری مرا یاری رسانید.

مهم اینست که ما به این مطلب یعنی رسیدن به آمادگی روحی و جسمی برای جانفشانی در رکاب امام را در ذهنمان داشته باشیم و

^۶ (تهذیب الاحکام/۱۱۴/۶)

^۷ سوره مبارکه الانشقاق آیه ۶

^۸ بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۴/۰۳/۰۳ -

^۹ [نهج البلاغه: الکتاب ۴۵].

برای رسیدن به آن برنامه ریزی داشته باشیم، به قول قدیمیا که انصافاً قشنگ گفتند از شما حرکت از خدا برکت؛ داریم میبینیم مردم برای دنیای ابادتر تلاش میکنند و موفق هم میشوند اگر برای آخرتی اباد هم بفکر باشیم و خودمان را آماده کنیم قطعاً میتوانیم مثل شهدا که این آمادگی را حاصل کردند و به بهترین نحو ممکن مزدش را با شهادت گرفتن، ما هم خود را برای جانفشانی آماده آماده و به نتیجه را در زندگی دنیایی و اخروی بگیریم.

حضرت اقا حفظه الله در تفسیر سوره بقره فرمودند: ۱۰

قدرت بر گذشت یک چیز عظیمی است که همه کس این قدرت را ندارند و بعضی هم کمی از آن را دارند. این کسانی که قدرت در آنها به حدی میرسد که جان خودشان را حاضرند در راه خدا قربانی کنند، یعنی شهداء، اینها پرواز میکنند. یک جوان شانزده هفده ساله‌ی مجاهد فی سبیل‌الله در آن سال‌های استثنائی جنگ واقعاً یک برقی بود که در تاریخ زد و تمام شد و آن آثار عظیمی داشت. یک جوان می‌نشست یک وصیت می‌نوشت که وقتی من این وصیت‌نامه‌ها را میدیدم مثل اینکه یک عارف بزرگ آنرا نوشته، گاهی که ما این کتابها و این نوشته‌های بزرگ عرفا را نگاه میکردیم رنگ و بوی سخن این شهداء رنگ و بوی سخن آن عرفای واصل را داشت، در حالی که من یقین دارم اینها اسم آن کتابها را هم نشنیده‌اند و آن مطالب را از زبان هیچکس نشنیدند، بلکه جوشش درون خود اوست و شکوفایی آن گل وجود بنی‌آدم و آن حقیقت انسانیت است که با ایثار تحقق پیدا میکند. من وقتی به این خاطرات نگاه میکردم، میدیدم از روزی که مثلاً از تهران رفته و شروع به نوشتن خاطرات کرده، اول یک آدم عادی است، منتها احساسات او را کشیده به طرف جبهه و از خاطره‌اش میشود فهمید ۱۰، ۲۰ روز به شب عملیات مانده ناگهان عوض شده و اصلاً در لحن کلام، و نوشتن یک نوری و یک تپشی وجود دارد که این همان ایثار است. یعنی خودش را آماده کرده و دارد میرود جلو و میدرخشد.

برخی اوقات ما به نتیجه اعمال و کردارمان توجه نداریم، یعنی نمیدانیم اگر آمادگی برای جانفشانی در رکاب حضرت حجت علیه السلام را در خود مهیا نکنیم چه اتفاق بزرگی می‌افتد، چه پشیمانی را بدنبال خواهد داشت، لذا بعضیامون در خواب غفلت تشریف داریم و فرموده مولا علی علیه السلام: مَنْ نَامَ عَنْ نَصْرِهِ وَلِيَهُ انْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ. کسی که به هنگام یاری ولی (رهبر) خود، بخوابد با لگد دشمن از خواب بیدار خواهد شد ۱۱!

آماده شدن برای جانفشانی در پای رکاب حضرت حجت کار آسانی نیست، چرا که قرار است بالاتر از محبت فرزند و همسر و والدین و ... خدا و رسول و حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین را بیشتر دوست داشته باشی و برخی اوقات آنها را فدای این بزرگواران کنی.

طبق فرموده قرآن سوره توبه ایه ۲۴: قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(ای رسول ما امت را) بگو که اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع آورده‌اید و مال‌التجاره‌ای که از کساد آن بیمناکید و منازل را که به آن دل خوش داشته‌اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می‌دارید منتظر باشید تا خدا امر خود را جاری سازد (و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیاطلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زیانکار شوید) و خدا فسّاق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

و تا این اتفاق نیافتد (امادگی برا جانفشانی در رکاب حضرت حجت ارواحنا له الفداء) و خودمان را آماده نکنیم نباید منتظر ظهور حضرت حجت باشیم و انتظار گلستان شدن دنیا را داشته باشیم، و فقط باید یقه خودمان را بفشاریم.

عدم آمادگی برابر با غربت و تنهائی ولی خدا

آخه واقعا بس است وقتی تاریخ را مرور میکنیم و اینهمه غفلت و بی توجهی و تعلقات دنیا و عدم آمادگی برای نصرت ولی خدا را میبینیم و مع الاسف الان هم همین ها را با ضریب بیشتر ملاحظه میکنیم، باید بدنمان بلرزد و بترسیم که خدای ناکرده یه بار دیگر تاریخ تکرار نشود چرا که:

یک عده ای در یک زمانی و در یک مکانی، یک امامی را تنها و غریب رها کردند متأسفانه با بدترین وضعیت در جلوی چشمان مادر و خواهر بزرگوارش سر بردن و بر نیزه زدند، اینقدر اربعین ها را با پای پیاده میرویم تا خود را آماده پذیرائی از حضرت حجت علیه السلام کنیم تا دوباره شاهد این نباشیم که یک عده ای دیگر در یک زمان دیگر و در یک مکان دیگر یک امام دیگری را تنها و غریبانه به شهادت ببرند،

بفرموده مولا علی علیه السلام لِلْاَعْتِبَارِ تُضْرَبُ الْأَمْثَالُ.^{۱۲} برای عبرت گرفتن مثال ها زده می شود.

یعنی مثال هایی که در قرآن و احادیث شریفه زده می شود درباره ی ایمان و کفر و امثال این ها برای این است که مردم عبرت گیرند و آن چه از برای آن مثال خوب زده شده به عمل آورند و از آن چه برای آن مثال بد زده شده اجتناب نمایند.^{۱۳}

عدم آمادگی ما برای جانفشانی از امامان مساویست با غربت ولی خدا و این مهم را چرا فراموش میکنیم چرا مورد غفلت قرار می دهیم، الان امام و ولی خدا غریب نیست مگر چقدر یار و یاور میخواهد ۳۰۰ میلیون یا ۳۰ میلیون یا ۳ میلیون یا ۳۰۰ هزار یا ۳۰ هزار یا ۳ هزار نه رفقا؛ بزارید با خجالت بگیریم

پرورش
احساس

آنقدر مرد نبودیم که یارش باشیم

سال ها منتظر سیصد و اندی مرد است

مرکبی نیست که راهی دیارش باشیم

گیرم امروز به ما اذن ملاقاتی داد

و تا کی بشماریم و ببینیم یکی باز کم است که البته به عدم آمادگی خودمان بر میگردد

یازده بار شمردیم و یکی باز کم است

قطعه ی گمشده از پر پرواز کم است

عرق شرم زمین است که "سرباز" کم است

این همه آب که جاریست نه اقیانوس است

اگر این حرکت عظیم و پرشور و انسان ساز و یار پرور سالهای قبل راه می افتاد الان ما ها خیلی آماده تر بودیم و اقامون هم خیلی غریب نبودند البته داخل پراتنژ این مطلب را بگم که این حرکت برکات زیادی دارد مثل اضافه شدن قدرت خودمان و کشورمان و جهان اسلام و شیعیان، امنیت و رفاه و آزادی بیشتری را رقم میزند ولی فعلا بنده در این سخنرانی روی آمادگی جانفشانی برای ولی خدا را بیان میکنم که البته خیلی خیلی مهم است. عرض کردیم فلسفه زیارت اربعین هم همین را اشاره میکند. با این نگاه میشود گفت:

زیارت اباعبدالله فرض و واجب است

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرُّوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِنَّ إِيَّانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمْدُ فِي الْعُمُرِ وَيَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَإِيَّانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقِرُّ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ -امام باقر علیه السلام فرمودند: شیعیان ما را به زیارت

^{۱۲} (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم / ص ۴۷۱)

^{۱۳} شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم / ج ۵ / ص ۲۹)

امام حسین علیه السلام امر کنید، چرا که زیارتش روزی را افزون می کند و عمر را طولانی می گرداند و بلاها و بدی ها را دفع می کند و زیارت کردن امام حسین علیه السلام بر هر مومنی که اقرار به امامت او از جانب خدا داشته باشد، واجب است.^{۱۴} شاید یه دلیل واجب بودنش این باشد که از آنجائیکه مسیر دشواری دارد خصوصا اگر بحث پیاده روی باشد و مثل مکه و مدینه نیست، خود همین باعث آمادگی برای جانفشانی میشود.

جالب است در روایت دیگر هم می فرماید به یکبار اکتفا نکنید و در واقع هر شش ماه یکبار زیارت برید تا تمرین آمادگی بیشتر اتفاق بیافتد. در واقع و به زبان امروزی دو اردوی تدارکاتی نیازمندیم

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً وَ حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ.^{۱۵}

حضرت امام صادق علیه السلام: این حق بر عهده فقیر است که سالی یک مرتبه و بر غنی است که سالی دو مرتبه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروند.

بله اگر مستطیع باشی حج را سالی یکبار میروی ولی میفرماید سالی دوبار به زیارت امام حسین علیه السلام باید بری، چرا که میدان آمادگی است.

لذا این حرف نادرست است؛ عشقی امیدیم دلم تنگ شده بود، هوایی شده بودیم، یهویی شد، کار دل است

بلکه بگوئیم امیدیم وظیفمون و انجام بدیم، بگوئیم امیدیم تا آمادگی عصر ظهور و کسب کنیم بگوئیم اربابمون صدا زده باید بیایم تا مثل کوفیای بی مروت و نامرد نباشیم، که خدا عذابشان و زیاد کنه متاسفانه عدم آمادگیشان باعث شد کم گذاشتن و امامشان را یاری نکردند، البته مواظب باشیم؛ اونا هم میگفتن قلبم با حسینه و دوشم دارم شاید هم میگفتند عاشقشم اما بقول فرزندق قلوبهم معک و اسیافهم علیک باید خیلی مراقب عدم آمادگی بود، انصافا کار دستان میدهد. چه کسی باور میکرد شمر یک روزی رو سینه امام حسین بشینه؛ چه کسی باور میکرد عمر سعد دستور غارت خیام آل الله را بدهد، بله عدم آمادگی این بلا را سر انسان در می آورد.

باید خودمان را مثل مرحوم آ سید کریم محمودی تهرانی آماده کنیم ایشان حدود شصت سال پیش در همین تهران بود. خوبان و بزرگان تهران همه ارادت داشتند معروف بود به سید کریم کفاش. چون یه دکه پینه دوزی و کفاشی داشت. ایشان تشرفات متعددی خدمت حضرت ولی عصر داشت، البته بی سروصدا و فقط خواص می دانستن. خیلی حالت خاصی داشت نقل میکنند در یکی از تشرفات اقا جای ایشان در بهشت را نشان داد گفت اقا شما هم انجا هستید فرمودند نه چون جای حضرت خیلی بالاتر سات سید گفت اقا من انجا را نمیخواهم جایی که شما نباشید به چه درد من میخوره؟

بله آمادگی میتواند انسان را به جایی برساند که وقتی امامش او را ببیند خوشحال شود مثل داوود ابن کثیر رقی که یک روز پس از اینکه از نزد امام صادق خارج شد امام فرمودند: هرکس دوست دارد یکی را اصحاب قائم را ببیند به این شخص نظر کند^{۱۶}

و یا در جایی دیگر فرمودند داوود رقی نزد من بمنزله مقدار است نزد رسول خدا^{۱۷} یکی از خصوصیات او تقوا و پرهیز از گناه است

ماهیم باید در اربعین چه در کربلا چه در ایران هستیم باید خود را برای نصرت امام زمان آماده کنیم و لازم است طوری از گناه دوری

^{۱۴} (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۴۲)

^{۱۵} کامل الزیارات ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۴

^{۱۶} تحفه الحباب شماره ۱۸۷ ص ۱۴۷ از رجال کشی و تنقیح المقال

^{۱۷} من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۹۵

کنیم که امام مان روی ما حساب کند، نسبت به گذشته هم دست بدامان همین اربعین می‌شویم چرا که امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

کمترین ثواب زائر کربلا

أَدْنَى مَا يُثَابُّ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ بَشَطِ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وِلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ
کمترین آنچه از ثواب که به زائر ابا عبدالله علیه السلام کنار نهر فرات داده می شود آنگاه که حق و حرمت و ولایت او را بشناسد، این است که آنچه از گناهان پیش فرستاده و بعداً می فرستد (گناهان گذشته و آینده او) آمرزیده می شود.^{۱۸}
ولی نباید به آیندگان خوش بین بوده و بی خیال همه چیز بشویم باید همین امسال رو قدر بدانیم و با توجه خاص و ویژه این ایام را درک کنیم تا فرصت ها را یکی پس از دیگری از دست ندهیم.

حالا این سوال اساسی پیش می‌آید؛ چطور خود را آماده جانفشانی کنیم تا حضرت حجت ارواحنا له الفداء غریب و تنها نشود، بصیرت داشته باشیم و ساده لوح نباشیم

آنچیزی که میتواند ما را در تلاطم امواج پیچیده اجتماعی و فتنه ها حفظ کند و امدادی ما را به تزلزل نیاندازد بصیرت است

علی علیه السلام در این باره می فرماید: ویژگیهای انسان با بصیرت سه تا میباشد و با این سه ویژگی دیگر در چاه و گمراهی نمی افتد و راه را درست پیدا میکند و در بزنگاه ها و چند راهی هایی که حق و باطل با هم مخلوط شده راه درست و دقیق و مسیر رضایت خدا و اهلبیت علیهم السلام را پیدا میکند

فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَ أَضْحَا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَ الضَّلَالِ فِي الْمَغَاوِي وَ لَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْغَوَاةَ يَتَعَسَّفُ فِي حَقٍّ أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نَطْقٍ أَوْ تَخَوُّفٍ مِنْ صِدْقٍ. ۱۹:

رفتار
سازی

بینا کسی است که شنید و اندیشه کرد، و نظر کرد و بصیر شد، و از عبرتها پند گرفت، سپس در راه روشن حرکت کرد، او در آن راه از افتادن در مواضع تباهی، و قرار گرفتن در مراحل گمراهی اجتناب می کند، و گمراهان را به زیان خود با بیراهه رفتن نسبت به حق، و تحریف در گفتار، یا ترس از راستگویی یاری نمی نماید.^{۲۰}

اولین ویژگی: در شنیده ها بیاندیشد

متأسفانه برخی بصر دارند ولی بصیرت ندارند، جاماندگان کربلای سال ۶۱ هم همینطور بودند بصیرت نداشتند و متأسفانه چشم دلشان روشن نشده بود و فقط ظاهر و می دیدند؛

بصر غیر از بصیرت است. بصر چشم و قوه باصره را میگویند. ببینید کسانی بودند در کربلا چشم ظاهر و چشم سر داشتند و امام حسین علیه السلام را هم دیدند و حتی صدایش را شنیدن ولی یاری نکردن، در مقابل شخصی بنام جابر بن عبدالله انصاری که در ظاهر چشم

سر ندارد ولی با ارباب و مقتدایش عشق‌بازی میکند، چرا که چشم دلش روشن و بازست،

اما واژه بصیرت از ماده بصر بمعنای بینائی و بینش دل است؛ جمعش ابصار است بمعنای حکمت و تشخیص سره از ناسره

و قدرت ادراک دل و تیزبینی ۲۱ به فرد دانا، روشن بین، ژرف نگر وزیرک بصیر میگویند. بصیرت یعنی داشتن قطب نما برای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده؛ اگر بصیرت نباشد انسان حتی با نیت خوب ممکن است در محاصره دشمن قرار گیرد. و گمراه شود و در راه بد و اشتباه قدم بگذارد.

مولا می فرماید سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وقتی چیزی شنیدی سریع بسمتش نرو و فکر کن و با تفکر تصمیم بگیر آقای عمر سعد دنبال جاه و مقام و دنیا میگردی، شنیدی به تو قول حکومت ری دادند؛ اشکال ندارد ولی فتفکر فکر کن اونطرفش چیه

رضایت خدا، رضایت ولی خدا، رضایت خلق خدا و رضایت خودت را دنبال خواهد داشت چرا که هر چه در دنیا و آخرت دنبالش میگردی در خونه حضرات معصومین سلام الله علیهم هست و لا غیر؛ چرا که بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الرض و السماء ولی متاسفانه اهل فکر نبود و اشتباه تصمیم گرفت، خسرالدنیا و الآخره شد.

عزیزان بزرگوار مواظب باشیم امروزه در فضای مجازی، اینستاگرام و تلگرام و ... خیلی حرفا بصورت کلیپ صوتی و تصویری و متنی میشنویم و میبینیم باید مراقبت کنیم و اهل تفکر باشیم و سریع قبول نکنیم و به عاقبتش فکر کنیم. حال اینکه همه میدانیم خیلی از این مطالب کذب و یا با یک هنرنمایی تقطیع شده و از این مسائل را دارد. ولی مع الاسف باز شاهد این هستیم که براحتی شبهاتی را در ذهن جوانهای گل ما ایجاد میکند.

دومین ویژگی: در نگاه خود عمیق باشد

و همچنین بفرموده امیرالمومنین علیه السلام نَظَرَ فَأَبْصَرَ و در نگاه خودت باید عمیق بشوی سطحی نگاه نکنی به مباحث، و الا ما هم بخاطر عدم آمادگی جا میمانیم و بعد فقط به فقط باید خودمان را مقصر بدانیم و دنبال مقصر بیرونی نباشیم باید یقه خودت و بگیری

نباید فقط جلوی پایمان را ببینیم نخیر باید با دوربین جلوتر را دید و برایش برنامه ریزی کرد در خانه اگر زوجین همین نکته را عنایت کنند محبت و رضایت از همه جای منزل دیده میشود، اگر مردی فراموش کرد چیزی را تهیه کند خانم نباید سریع جلوی پایش را ببیند و تصمیم بگیرد و بعد پشیمان بشود و همچنین مرد اگر کوتاهی از سمت همسرش دید نباید فقط به همان لحظه فکر کند بلکه باید ببیند این تصمیم در آینده زندگیش چه اثراتی دارد لذا با این نگاه عمیق و تفکر ویژگی قبلی می تواند درست و صحیح عمل کند.

الان نگاه ما به مبحث جمعیت اصلا عمیق نیست متاسفانه باید گفت با این وضعیت پیش رویم در سالهای آینده نچندان دور دو برابر مهد کودکی که امروز در کشور شاهدش هستیم خانه سالمندان باید تاسیس شود و در واقع این مهد کودک ها باید تغییر کاربری بدهند و به فرموده حضرت آقا حفظه الله آنموقع پشیمانی فائده ای ندارد و باید فقط غصه خورد و عوارضش را پذیرفت، و طبق فرموده ایشان جمعیت زیاد سرمایه پر فایده میباشد.

بی بصیرتی و نگاه حداقلی اینست که بطرف می گوئیم بچه دار بشوید در جواب میگوید فقیرم و دخل و خرجم به هم نمیخوره غافل از اینکه باید گفت چون فقری بچه دار شو که پول دار شوی چرا که پیامبر صل الله علیه و اله و سلم فرمودند: کَلَّمَا كَثُرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ ۲۲ هر زمان افراد خانواده انسان بیشتر شوند روزی نیز فزون تر خواهد شد. در جایی دیگر میفرمایند: من به زیادی شما مباحثات

۲۱ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قران ج ۱ ص ۲۷۶

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۲

سومین ویژگی: عاقل باشیم و عبرت بگیریم

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: مَنْ قَوِيَ عَقْلُهُ أَكْثَرَ الْإِعْتِبَارِ؛ هر کس که عقلش قوی شود عبرت پذیرش بیشتر می شود. گذشتگان و بینیم واقعا عبرت بگیریم، تا مثل آنها از امامان عقب نیافتیم عدم آمادگی یعنی حرکت امثال عمرسعد که با امام حسین علیه السلام بازی میکرد ولی دنیا و تعلقات دنیایی او را بازنده کرد و جزء قاتلین امام شد و شمر ذی الجوشن که در صفین یکی از فرمانده های علی علیه السلام بود ولی نه تنها امام زمانش را یاری نکرد که آن اتفاقات وخیم و ناراحت کننده را در کربلا و عاشورا رقم زد که برخی از آنها را حتی نمیتوان به غیر مسلمان نسبت داد چه برسد به یک مسلمان پس باید عبرت گرفت و ضحاک ابن عبدالله که روز عاشورا در ظاهر خودش را نجات داد و از کربلا رفت حال اینکه در واقع خودش را به هلاکت رسانید و این نبود جزء عدم آمادگی او برای جانفشانی در راه امام زمانش، و همچنین طرماح که سالها انتظار یاری کردن ولی خدا را داشت ولی عدم آمادگی او باعث عقب ماندنش شد جاماند و وقتی رسید که دید سری به نیزه بلند است در مقابل زینب خدا کند که نباشد سر برادر زینب، اربعین پای هر عمودی که قدم میزنی و یا در هر جلسه ای که بیاد بود اربعین شرکت میکنی باید از این موارد عبرت بگیری و ریشه یابی کنی و آنها را از خودت دور کنی؛ دنیاطلبی، راحت طلبی، کم معرفتی نسبت به امام زمانت.

و اما نکته پایانی و مهم و حیاتی:

قبول داریم برای رسیدن به این ویژگیها نیاز به صبر و استقامت و شجاعت است تا برخی اوقات برعکس تصمیم عجولانه خودت بتوانی به تصمیم معقول عمیق بگیری و حتی دشمن واقعیت را هم خسته و ناتوان کنی خدا رحمت کند سردار دلها حاج قاسم عزیز که همین الان برایش صلواتی میفرستیم

به حاج قاسم میگفتند نرو جلو منطقه امن نیست فیلم های آن لحظات را هم دیدیم و بهمدیگر نشون دادیم می گفت مرا از چند تا گلوله می ترسانی؟! زشته بخدا!!! این را میگویند شجاعت و استقامت و صبر در برابر مشکلات و در نتیجه گرفتن تصمیم درست و عاقلانه و عمیق،

حضرت آقا بعد از شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی عزیز در منزل ایشان فرمودند:

حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اول نبود، ولی در راه خدا در راه انجام وظیفه، در راه جهاد فی سبیل الله پروا نداشت، از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پرده داشت؛ نه از حرف این و آن پروا داشت؛ نه از تحمل زحمت پروا داشت ۲۳

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنه التي كنتم تعدون ۲۴

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس در میدان عمل بر این حقیقت استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند و میگویند مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می دادند بشارت باد .

و در این مسیر از خدا هم کمک بگیریم و با بالا بردن معنویت و باور به قدرت خدا و خود باوری تصمیمات عمیق و دقیقی بگیریم؛

سرلشگر رحیم صفوی می گوید:

بعد از جنگ ۳۳ روزه لبنان سید حسن نصرالله اعلام کرد که توان نظامی حزب الله در برابر ارتش صهیونیستی یک به ۸۳ بوده است امام جبران کننده این کمبود، عقیده و باور نیروهای حزب الله بود که این خلا را پوشش داد؛ اگر معنویت و خود باوری با هم ترکیب بشود دیگر میدان تکلیف برای ما فرق نمیکند امر امر خداست.

بله اگر ویژگیهای انسان با بصیرت را پیدا کردی و از طرفی معنویت را بالا بردی و به خدا بیشتر تکیه کردی میتوانی خودت را برای یاری امام زمانت آماده و در مسیرش جانفشانی کنی هیچ فرقی هم ندارد این جانفشانی و آمادگی در منزل در جامعه در داخل مرزی یا خارج مرز؛ روی خاک شلمچه ای یا کف خیابان های تهران، توی سنگری یا توی بیمارستان، بیسیم روی دوش هست یا سمپاش روی پشتت، نظامی هستی یا پرستار، مردی یازن، مهم اینست من باید با اعمال و رفتار و کردارم آماده یاری امامم باشم .

فرمودند: من اراد الله به الخير قذف فی قلبه حب الحسين عليه السلام و زیارته، و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسين عليه السلام و بغض زیارته .

هر کس که خدا خیر خواه او باشد، محبت حسین (علیه السلام) و زیارتش را در دل او می اندازد و هر کس که خدا بدخواه او باشد، کینه و خشم حسین (علیه السلام) و خشم زیارتش را در دل او می اندازد ۲۵

اصلا حسین جنس غمش فرق میکند این راه عشق پیچ و خمش فرق میکند

درسته امسال نتونستیم بریم کربلا و آمادگی خودمان را به ارباب نشان بدیم ولی بنظر می رسد؛ مشهدیا میتونند تا حرم امام رضا بنیابت از نجف تا کربلا به امید رجاء پیاده روی کنند و آمادگی خودشان را محک بزنند، قمیا تا حرم و جمکران، تهرانیها تا شاه عبدالعظیم و شیرازیها تا شاه چراغ بزرگوار و ... بقیه هم تا امام زادگانی که در محله دارند و الحمدلله حتی روستائیان ما هم بی بهره نیستن

حرمت عرش معلی ست اباعبدالله

چقدر نام تو زیباست ،اباعبدالله

کار ما دست تو آقااست اباعبدالله

دستگیری زگدا ،گردن هر ارباب است

سینه زن زینب کبری ست ،اباعبدالله

ما که باشیم که سنگ تو به سینه بزینم

السلام علیک یا ابا عبدالله

اجازه بدید امروز دیگه اینجوری سلام ندیم. اینطوری سلام بدیدم داداش پاشو سربریدتو برات آوردم

"السلام علی المجزوز الرأس من القفا"

ذکر
مصیبت

هنوز به قبرا نرسیده بودن، یه وقت دیدن این زن و بچه خودشونو از ناچه ها به زمین انداختن. داداش اگه اون روز تو با صورت به زمین خوردی بلندشو ببین آخرین وجه تشابه من و تو اینه. تو تشنگی کشیدی منم کشیدم. گرسنگی کشیدی من کشیدم کتک خوردی منم کتک خوردم. تو رو با نیزه زدن منم زدن. زین العابدین فرموداً: "ان دَمَعَت من اَحَدُنَا عَیْنٌ" اگه چشمی از ما گریه میکرد. "فَقَرَعَتْ رَأْسَهُ بِالرَّمْحِ" ۲۶ نیزه دارا با نیزه به سرش میزدن. اما داداش تو رو کشتن منم میخواستن بکشن، اما صورت تو زمین خورد تو این یکی من عقب موندم. اربعین جبران کرد. یه جوری از ناچه خودش و به زمین انداخت. رو

وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۸۸، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۰۷

۲۶ کتاب «الإقبال» للسید ابن طاووس.

همه منتظرن ببینن زینب چه میکنه؟ خوب نشونی رو بلده. خودم دیدم از بالا بلندی کجا افتادی زمین. خودم دیدم چی جوری محاصره ات کردن. اومد کنار این قبر. همه دور زینب حلقه زدن. اینجا با روضه شام و کوفه فرق میکنه اینا همه خواصن. همه روضه ها رو خوند. آی رباب تو از خیمه بیرون نیومدی اما من اومدم دیدم یه بدنی به رو، رو زمین افتاده. و هُو جَسَهُ بِلا رَأْس، سر نداشت سر نداشت. رباب نبودی ببینی چه کردم... خواستم سرشو ببوسم سر نداشت خواستم دستشو بردارم به قلبم بزارم دستشو بریده بودن فقط یه جای سالم بود اونم رگای گردنش بود. لبامو به اون رگا گذاشتم که تونستم خطبه بخونم. لبها رو به اون رگا گذاشتم که تونستم یزیدو رسوا کنم. گریه ها کردن... هر یکی سمت قبری رفت. اما دیدن رباب متحیره. یه جور دیگه داره ناله میزنه... خانوم تو چرا سرقبری نمیری؟ آخه قبر علی اصغرمو نمیدونم کجاست. آخ بمیرم. آب خوردم سینه هام شیر آورده. یادش بخیر ۴۰ روز پیش علی داشتمو شیر نداشتم حالا برعکس شد.

یه بدن عصر روز یازدهم بدون زائر موند. هیچکی هم اشاره نمیکنه. به زینب خیلی سخت گذشت. از گودال که عبورشون دادن تو دارالحریم که بدن بنی هاشم بود. همه رو زینب زیارت کرد اما یه بدن کنار علقمه موند آخه عباس دور افتاده بود. هرچه زینب خواش کرد نداشتن اون بدنو زیارت کنه حالا تو ببین چه حسرتی به دلش موند

گفت داداش میرم اما برمیگردم. از کنار قبر حسین هنوز داره رو زانوهاش راه میره. کربلا رفته ها همین جایی که میگن بین الحرمین ارباب ما دست به کمر رفت اما زینب رو زانوهاش راه رفت. رسید کنار علقمه. داداش نگی من با وفا نبودم. اینجا دیگه زینب روضه نخوند سکینه شروع کرد روضه خواندن.

عمو عباس جات خالی بود عمو مو سیلی زدن

هر جا نشسته ای با زینب قدخمیده، دل شکسته ناله بزن یا حسین

خوشحال از این جوانی از دست داده ام

داریم با حسین حسین پیر میشویم